

روش تحلیل راسل در فلسفه

خبرگزاری مهر- گروه دین و اندیشه: بیشتر فیلسوفان، کم و بیش روش تحلیل را در پژوهش‌های خود به کار برده‌اند ولی تحلیل به معنای امروزی آن نخستین بار در نوشته‌های برتراند راسل پدیدار شد.



خبرگزاری مهر- گروه دین و اندیشه: بیشتر فیلسوفان، کم و بیش روش تحلیل را در پژوهش‌های خود به کار برده‌اند ولی تحلیل به معنای امروزی آن نخستین بار در نوشته‌های برتراند راسل پدیدار شد.

برتراند آرتور ویلیام راسل، فیلسوف، منطق‌دان، ریاضی‌دان، مورخ، جامعه‌شناس و فعال صلح‌طلب بریتانیایی بود که در قرن بیستم می‌زیست. راسل از پیشگامان فلاسفه در قرن بیستم محسوب می‌شود و «جنبش مخالفت با آرمان‌گرایی« را در اوایل قرن بیستم رهبری می‌کرد.

از راسل به همراه گوتلوب فرگه و لودویگ ویتگنشتاین، به عنوان بنیان‌گذاران فلسفه تحلیلی یاد می‌گردد. باید توجه داشت که بیشتر فیلسوفان، کم و بیش روش تحلیل را در پژوهش‌های خود به کار برده‌اند ولی تحلیل به معنای امروزی آن نخستین بار در نوشته‌های برتراند راسل پدیدار شد.

بنابراین، به یک معنا راسل (البته، باتکا به آثار لایبنتس و فرگه در منطق ریاضی) پدر فلسفه تحلیلی به معنای امروزی آن است؛ هرچند ممکن است دیگران برنامه تحلیلی او را تا اندازه‌ای پیش برده باشند یا دقت بیشتری در تحلیل به کار آورده باشند.

راسل روش تحلیل خود را چنین توصیف می‌کند: «روش ثابت من این است که کار خود را از پدیده‌ای گنگ و سربسته ولی چیستان‌ی و گیج‌کننده می‌آغازم؛ چیزی که بی‌گمان قابل تصورات ولی من قادر نیستم آنرا با دقت و سختی بیان کنم. فرایندی را که من به دقت دنبال می‌کنم، مانند فرایند مشاهده پدیده‌ای با چشم غیرمسلح و سپس واریسی آن بوسیله یک میکروسکوپ است. من دریافتم که با تمرکز و توجه دقیق، بخش‌ها و تمایزاتی نمایان می‌شوند که هیچ‌یک در آغاز، دیدنی و آشکار نبوده است؛ درست همان‌گونه که به وسیله میکروسکوپ می‌توانید باسیل‌هایی را که بدون میکروسکوپ تشخیص ناپذیرند، در آب آلوده ببینید. راسل که ریاضیدان برجسته بود کوشید برای ریاضیات مبانی منطقی یقینی فراهم کند و به این نتیجه رسید که این دانش از اصول منطقی سرچشمه گرفته است.

او با همکاری استاد مشهور ریاضی کمبریج، نورث وایتعهد، کتاب اصول ریاضیات را نوشت. این کتاب باعث شد که نام راسل به عنوان یکی از بنیانگذاران منطق جدید که دارای زبانی سمبلیک و نشانه‌ای است، تثبیت شود.

در این کتاب اعلام شد که نه تنها گزاره‌های ریاضی را می‌توان به زبان منطق در آورد و از اصول منطق استنتاج کرد، بلکه دیگر گزاره‌های علمی و فلسفی را نیز می‌توان به چنین زبانی بیان کرد و با این کار معنی دقیق آن را سنجید.

بنابراین، راسل منطق را هم برای استوار کردن ریاضیات و هم برای پاسخ به بسیاری از پرسش‌های فلسفی لازم دانست. او برای اثبات نادرستی برخی نظریه‌های فلسفی و متافیزیکی در جستجوی خطای منطقی آن بر می‌آمد و با روش تحلیل منطقی به نقد آنها می‌پرداخت.

بر مبنای این اندیشه، ابزار اصلی تحلیل فلسفه تحلیلی، منطق بود. در فلسفه تحلیلی جریانات فکری مختلفی در ارتباط با منطق و فلسفه زبان به وقوع پیوست: اتمیسم منطقی، منطق‌گرایی، فلسفه زبان، پوزیتیویسم منطقی.